

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۸ اگست ۲۰۲۲

در باره زندگی رفیق شهید

حسین شانه‌چی



چریک فدائی خلق رفیق حسین شانه‌چی در سی و یکم شهریور-سنبله- سال ۱۳۶۰ هنگامی که یکی از پایگاه‌های چریک‌های فدائی خلق در تهران مورد یورش پاسداران سیاهی قرار گرفت، به نبرد پرداخت و پس از ساعت‌ها مقاومت مجروح و دستگیر شد.

این پایگاه در کوی گیشای تهران قرار داشت و رفیق حسین همراه با رفیق مهوش جوکار در آن به فعالیت‌های انقلابی خود می‌پرداختند.

در شهریور-سنبله- سال ۶۰ نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی در عملیاتی که خود آن را "مرصاد" می‌خواندند با سازماندهی قبلی، شماری از پایگاه‌های سازمان ما را مورد یورش قرار داده و تعدادی از رفقای ما را دستگیر نمودند. پایگاه گیشا یکی از این مراکز بود که رفقاء حسین شانه‌چی و مهوش جوکار تازه در آنجا مستقر شده بودند. این رفقاء در مقابل یورش

پاسداران جمهوری اسلامی مقاومت کرده و تنها پس از آن‌که هر دو رفیق مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و مجروح گشتند، پاسداران جنایتکار موفق به دستگیری آنان شده و سپس هر دو رفیق را به شکنجه‌گاه اوین منتقل کردند. چند روز از دستگیری آنها نگذشته بود که خبر شهادت رفقاء به دست ما رسید.

سال شصت یکی از سیاه‌ترین دوران‌های سلطه جمهوری اسلامی است که طی آن مزدوران حاکم بی محابا کارگران و زحمت‌کشان و همه کمونیست‌ها و آزادی‌خواهان و سازمان‌های سیاسی مبارز را مورد یورش سرکوب‌گرانه خود قرار داده و در سراسر کشور، جوی خون به راه انداخته بودند. در واقع از ۳۰ خرداد- جوزا- این سال به بعد روزی نبود که تعدادی از فرزندان انقلابی خلق‌های مبارز ما را پس از دستگیری، تیرباران و یا زیر شکنجه‌های ددمنشانه نکشند. به همین دلیل هم سال ۶۰ از سیاه‌ترین سال‌های سلطه جمهوری اسلامی بود که برای سرکوب انقلاب سال‌های ۵۷-۱۳۵۶ توسط امپریالیست‌ها به قدرت رسیده بود.

رفیق حسین شانه‌چی در خانواده‌ای سیاسی به دنیا آمد و در چنین محیطی رشد کرد. پدرش از چهره‌های معروف مبارزات ملی-مردمی در دوران رژیم سلطنت بود و به همین دلیل هم فضای خانه سیاسی و همواره بحث و مباحثه و ضدیت با دیکتاتوری حاکم در آن جاری بود. به خصوص که خواهر بزرگش چریک فدائی خلق رفیق زهره (زهره) شانه‌چی در ارتباط با سازمان چریک‌های فدائی خلق زندگی مخفی در پیش گرفته و در ۲۸ اردیبهشت- ثور- سال ۱۳۵۵

در جریان یورش ساواک به پایگاهش در شهر رشت به شهادت رسیده بود. از سوی دیگر، در زمان حکومت شاه، ساواک، این سلف به حق ساوامای جمهوری اسلامی، برادرش محسن را دستگیر کرده و سال‌ها در زندان انداخته بود. مادر رفیق حسین نیز از مادران جانباختگان و اسرای چریک‌های فدائی بود که همواره در همه اعتراضات این خانواده‌ها در زمان شاه حضور داشت. طبیعی بود که این فضای خانوادگی و به خصوص شهادت خواهرش تأثیر زیادی بر شکل‌گیری شخصیت وی بگذارد.

با رشد در چنین شرایطی بود که رفیق حسین با انقلاب توده‌های ستم‌دیده در سال‌های ۵۷-۱۳۵۶ فعالانه به این انقلاب پیوست و در جریان انقلاب هر روز تجارب مبارزاتی و ال‌تری کسب نمود و انقلاب را در بستر خود انقلاب فرا گرفت. در جریان انقلاب سال‌های ۵۶-۵۷، سرانجام زندانیان سیاسی از جمله برادرش محسن از زندان آزاد شدند و فضای خانه هر روز مملو از بحث و اخبار مبارزاتی بود. با سقوط رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و قدرت‌گیری دار و دسته خمینی، به دلیل ضعف قدرت مرکزی و حضور وسیع توده‌های مبارز در صحنه، شرایطی در جامعه شکل گرفت که به علنی شدن سازمان‌های سیاسی از جمله سازمان چریک‌های فدائی خلق منجر شد. در آن زمان، رفیق محسن از مسئولین فعالیت‌های علنی آن سازمان بود و بعدها هم از رهبران بخش اقلیت آن سازمان شد. با علنی شدن سازمان، رفیق حسین نیز به آن پیوست. اما با اعلام موجودیت چریک‌های فدائی خلق و تأکید آنها بر ضرورت ادامه انقلاب و دفاع از ارزش‌ها و سنت‌ها و تئوری انقلابی سازمان که تجربه مبارزات چریک‌های فدائی در زمان سلطنت پهلوی درستی آن‌را به اثبات رسانده بود؛ رفیق حسین با شناختی که از توده‌ای مسلک‌های نفوذ کرده در سازمان و سازش‌کارانی که مواضع کلیدی را در آن سازمان غصب کرده بودند، به دست آورده بود، خیلی زود از آنها جدا و به صفوف چریک‌های فدائی پیوست.

با تشکیل جنبش دانشجویی ۱۹ بهمن، رفیق حسین در تهران و در این جنبش شروع به فعالیت نمود و با توجه به تجربیاتش به یکی از مسئولین با تجربه و فعال جنبش دانشجویی ۱۹ بهمن بدل شد و در تبلیغ نظرات و تدارک و تهیه امکانات مختلف برای سازمان پیگیرانه فعالیت نمود.

در جریان انشعاب غیراصولی که در سال ۶۰ بر سازمان ما تحمیل گشت، رفیق حسین قاطعانه در مقابل منشعبین موضع گرفت و با عزمی آهنین در جبران ضرباتی که انشعاب به سازمان و جنبش وارد ساخته بود، به فعالیت پرداخت. در شرایط پس از انشعاب، رفیق حسین سرشار از ایمان به تئوری مبارزه مسلحانه به عنوان تنها تئوری انقلابی جامعه ایران همچون همیشه پرشور و خستگی ناپذیر با روحیه‌ای مملو از فداکاری و از جان گذشتگی و با ایمان به رسالت عظیم چریک‌های فدائی خلق در رهائی پرولتاریا و خلق‌های ایران به بازسازی سازمانی که به آن ایمان داشت پرداخت ولی متأسفانه همان‌طور که گفتیم در جریان یورش جمهوری اسلامی به سازمان ما در ۳۱ شهریور سال ۶۰ زخمی و دستگیر و سپس در چنگال شکنجه‌گران اهریمن صفت جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

رفیق حسین که در تمام زندگی سیاسی خویش لحظه‌ای از مبارزه علیه امپریالیسم و سگ‌های زنجیری‌اش باز ناپستاده بود، در آخرین لحظات زندگی نیز به عهدی که با خلق خویش بسته بود وفادار ماند و لب به سخن نگشود و نشان داد که پیشاهنگان پرولتاریا تا آخرین لحظه زندگی نیز به عهدی که با خلق خویش بسته‌اند، پای‌بند و وفادارند.

مقاومت قهرمانانه رفیق حسین در مقابل حمله وحشیانه مزدوران امپریالیسم به خانه تیمی‌اش و زیر شکنجه‌های وحشیانه آنها در شکنجه‌گاه اوین نه تنها بیانگر شخصیت انقلابی این چریک فدائی خلق، این فرزند پاک‌باخته مردم ایران، بلکه بیانگر عزم خلقی است که برای نابودی امپریالیسم به پا خاسته است.

یاد رفیق حسین شانه‌چی گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از ماهنامه کارگری ارگان کارگری چریک‌های فدائی خلق ایران - شماره ۱۰۳، پانزدهم مردادماه-اسد- ۱۴۰۱